هم‌افزایی سه قوه برای عبور از چالش‌های اقتصادی

آیا فصل تازه‌ای از ثبات در اقتصاد ایران آغاز می‌شود؟

اقتصاد ایران در ماه‌های گذشـــته یکـــی از پیچیده‌ترین دوره‌های خود را پشت سر گذاشته است. جنگ، افزایش هزینه‌های دولت، فشار بر منابع مالی، نااطمینانی فعالان اقتصادی، اختلال در برخی زنجیره‌های تجاری و استمرار تورم، مجموعه‌ای از چالش‌ها را ایجاد کرد که مدیریت آنها تنها از عهده یک دســـتگاه یا یک قوه خارج بود. در چنین شرایطی، بیش از هر زمان دیگری ضرورت هماهنگی میان ارکان مختلف حاکمیت برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و حقوقی احساس شد؛ موضوعی که حالا به نظر می‌رسد بیش از گذشته در دستور کار قرار گرفته است.

در هفته‌های اخیر نشانه‌هایی از بازگشت تدریجی کشور به شـــرایط عادی نیز دیده می‌شود. یکی از مهم‌ترین این نشـــانه‌ها، از ســـرگیری برگزاری جلسات علنی مجلس شورای اسلامی است. جلسات علنی مجلس در ماه‌های گذشته و همزمان با شرایط جنگی و اولویت یافتن مسائل امنیتی و دفاعی، عملا متوقف شده بود و بخش مهمی از تصمیم‌گیری‌ها در قالب نشست‌های ویژه و هماهنگی‌های محدود انجام می‌شـــد. اما از هفته گذشته، فعالیت عادی مجلس دوباره آغاز شـــده و این موضوع از نگاه بسیاری از تحلیلگران، نشانه ورود کشـــور به مرحله‌ای جدید پس از عبور از شـــرایط اضطراری اســـت؛ مرحله‌ای که در آن اصلاحات اقتصادی، بررسی لوایح جدید و بازنگری در برخی سیاست‌ها می‌تواند دوباره در اولویت قرار گیرد.

همزمان با این تحول، رییس جمهور نیز در تازه‌ترین اظهارات خود از سطح هماهنگی میان قوای سه‌گانه سخن گفته و آن را کم‌سابقه توصیف کرده است. مسعود پزشکیان با اشاره به همکاری نزدیک میان دولت، مجلس و قوه قضاییه تاکید کرده است که در طول تاریخ انقلاب، چنین انسجامی برای پیگیری حقوق ملت ایران کمتر مشاهده شده و روسای دو قوه دیگر، غلامحسین محسنی اژه‌ای و محمدباقر قالیباف، با تمام توان دولت را در این مسیر همراهی کرده‌اند.

این ســـخنان اگرچه در نشســـت تخصصی بررسی ابعاد حقوقی جنگ و پیگیری حقوقی اقدامات انجام‌شده علیه ایران مطرح شد، اما پیام آن فراتر از حوزه حقوقی است. در شرایطی که اقتصاد ایران با مجموعه‌ای از مسائل ساختاری و پیامدهای جنگ روبه‌رو است، هماهنگی میان سه قوه می‌تواند ســـرعت تصمیم‌گیری و اجرای سیاســـت‌های اقتصادی را افزایـــش دهد و از بروز اختلافات و تاخیرهای اجرایی جلوگیری کند.

اقتصاد ایران اکنون با مجموعه‌ای از اولویت‌های همزمان مواجه است. کنترل تورم، اصلاح نظام بانکی، تامین منابع مالی دولت، حمایت از تولید، بازســـازی بخش‌هایی که از جنگ آسیب دیده‌اند، مدیریت بازار ارز، اصلاح نظام مالیاتی، بهبود فضای کسب‌وکار و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، تنها بخشی از موضوعاتی هستند که برای حل آنها همکاری میان دولت، مجلس و قوه قضاییه ضروری به نظر می‌رسد.

در همیـــن چارچوب، دولـــت طی هفته‌های گذشـــته مجموعه‌ای از پیشـــنهادهای اقتصادی را برای بررسی و تصویب به مجلس ارایه کرده است. بخشی از این پیشنهادها به اصلاح قوانین موجود، بخشی به تامین منابع مالی برای اجرای برنامه‌های حمایتی و بخشی دیگر به بازنگری در برخی احکام بودجه ســـال ۱۴۰۵ مربوط می‌شود. وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز در ماه‌های اخیر به‌صورت مستمر در حال رایزنی با کمیسیون‌های تخصصی مجلس برای پیشبرد این اصلاحات بوده و تلاش کرده است با هماهنگی بیشتر میان دولت و قوه مقننه، فرآیند تصمیم‌گیری‌ها با سرعت بیشتری دنبال شود. کارشناسان معتقدند یکی از مهم‌ترین درس‌های ماه‌های گذشـــته این بوده که در شرایط بحران، اختلاف در سیاستگذاری اقتصادی می‌تواند هزینه‌های ســـنگینی بر کشـــور تحمیل کند. از این رو، شکل‌گیری فضای همکاری میان سه قوه می‌تواند به افزایش اعتماد فعالان اقتصادی نیز کمک کند؛ زیرا سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان معمـــولا زمانی تصمیم‌های بلندمدت می‌گیرند که از ثبات در تصمیم‌گیری و هماهنگی میان نهادهای مسوول اطمینان بیشتری داشته باشند.

از سوی دیگر، هماهنگی میان سه قوه تنها به تصویب قوانین محدود نمی‌شـــود. اجرای موفق بسیاری از سیاست‌های اقتصادی نیازمند همکاری همزمان دستگاه‌های مختلف است. برای نمونه، اصلاح نظام بانکی علاوه بر سیاستگذاری دولت و بانک مرکزی، به اصلاح برخی قوانین در مجلس و همچنین پشتیبانی حقوقی و قضایی برای مقابله با تخلفات احتمالی نیاز دارد. همین موضوع درباره اصلاح نظام مالیاتی، مبارزه با فرار مالیاتی، حمایت از سرمایه‌گذاری، تسهیل فضای کســـب‌وکار و ساماندهی بازارهای مالی نیز صادق است. معاون حقوقی و امور مجلس وزارت امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه از ابتدای دوره دوازدهم مجلس ۲۵ لایحه در حوزه‌های مختلف اقتصادی برای طی تشریفات قانونی به مجلس ارسال شده است، گفت: از مهم‌ترین این لوایح، لایحه مدیریت بدهی‌های عمومی و اصلاح قوانین مالیاتی و گمرکی است. محمدرضا دشتی اردکانی با اشاره به فهرست لوایح تقدیمی وزارت اقتصاد گفت: این لوایح با هدف تسهیل فضای کسب‌وکار، بهبود محیط سرمایه‌گذاری، توسعه روابط تجاری بین‌المللی، اصلاح قوانین مالیاتی و گمرکی، مدیریت بدهی‌های عمومی و حمایت از تولید و تجارت تدوین و تقدیم مجلس شده‌اند. وی افزود: در حال حاضر تعدادی از این لوایح در مراحل مختلف بررسی قرار دارند؛ بعضی در کمیسیون‌های تخصصی مجلس در حال رسیدگی هستند، تعدادی گزارش کمیسیون آنها در دستور کار صحن علنی قرار گرفته و برخی نیز به تصویب رسیده و ابلاغ شده‌اند. معاون وزیر اقتصاد اضافه کرد: لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مســـتقیم، لایحه مدیریت بدهی‌های عمومی، لایحه اصلاح قانـــون مالیات بـــر ارزش افزوده، چند موافقتنامه دوجانبه تجاری و گمرکی با کشورهای مختلف و لوایح مربوط به جلوگیری از مالیات مضاعف با بعضی کشورها از جمله مهم‌ترین لوایحی هستند که در وزارت اقتصاد پیگیری و تهیه شده‌اند و در مراحل مختلفی از بررسی قرار دارند. به گفته وی چند لایحه نیز بر مبنای پیشـــنهاد وزارت اقتصاد در این دوره به تصویب رسیده و ابلاغ شـــده که از جمله می‌توان به لایحه توسعه منطقه آزاد تجـــاری - صنعتی گیلان (انزلی)، لایحه موافقتنامه همکاری گمرکی با دولت ژاپن، لایحه افزایش سهم ایران در بانک جهانی (IBRD) و شرکت مالی بین‌المللی (IFC) و دو لایحه لایحه موافقتنامه جلوگیری از مالیات مضاعف با دولت بنگلادش و فنلاند اشـــاره کرد. معاون حقوقی و امور مجلس وزارت اقتصاد ابراز امیدواری کرد با همکاری نمایندگان مجلس، این لوایح هرچه ســـریع‌تر به مراحل نهایی رسیده و به قانون تبدیل شوند تا زمینه تحقق اهداف اقتصادی دولت در سال جهش تولید با مشارکت مردم فراهم شود. سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد به تازگی در نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی از برخی قوانین که مانع بهبود محیط کسب و کار شده‌اند، انتقاد کرد و از تشکیل کارگروهی در وزارت اقتصاد برای احصای قوانین مانع بهبود کسب و کار خبر داد.

وی گفته بود: در هفته‌های اخیر مجموعه اقداماتی در دستور کار وزارت اقتصاد و کمیسیون اقتصاد دولت مبنی بر تسهیل حداکثری فرآیند تولید و تجارت قرار گرفته است؛ مسوولیت این کارگروه بر عهده رییس کل گمرک ایران است و با سایر اعضای مرتبط در دولت و فعالان بخش خصوصی از جمله اعضای اتاق بازرگانی این جلسات را برگزار کردند تا مجموعه قوانین و مقرراتی که مانع کسب و کار و تجارت شده و فرآیند را دشوار کرده‌اند، احصا شود؛ پیش‌نویس این بسته اصلاحی در حال حاضر در دستور کار کمیسیون اقتصاد دولت قرار دارد و پس از تصویب در کمیسیون اقتصاد دولت، به صحن هیات وزیران می‌آید تا اصلاحیه آیین‌نامه‌های مربوطه به تصویب برسد و ابلاغ شود. وزیر اقتصاد همچنین در همایش سیاســـت‌های پولی و بانکی بر لزوم اصلاح برخی قوانین قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر که مانع از سرمایه‌گذاری بانک‌ها در بخش تولید شده است، تاکید کرد و این نکته را گفت که نرخ سرمایه‌گذاری داخلی بانک‌ها به دلیل این قانون تقریبا به صفر رسیده و باید بین بنگاه‌داری بانک‌ها با سرمایه‌گذاری در تولید تفکیک قائل شد. مدنی‌زاده از ارسال مجموعه لوایحی از سوی وزارت اقتصاد به دولت و سپس در صورت تصویب در هیات وزیران، به صحن علنی مجلس در خصوص اصلاحیه برخی قوانین خبر داده بود. در کنار این موضوع، یکی از مهم‌ترین پیامدهای هماهنگی میان سه قوه، افزایش قابلیت اجرای تصمیمات است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که تصویب یک سیاست اقتصادی بدون وجود هماهنگی اجرایی، لزوما به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود. به همین دلیل، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند هم‌افزایی میان دولت، مجلس و قوه قضاییه می‌تواند احتمال موفقیت اصلاحات اقتصادی را افزایش دهد.

البته این مســـیر بدون چالش نخواهد بـــود. اقتصاد ایران همچنان با نرخ بالای تورم، محدودیت منابع مالی، کاهش سرمایه‌گذاری، ناترازی بانک‌ها، فشار بر بودجه عمومی و آثار باقی‌مانده از جنگ روبه‌رو اســـت. بنابراین هماهنگی نهادی اگرچه شرط لازم برای عبور از این مشکلات است، اما به تنهایی کافی نیست و باید با تصمیم‌های کارشناسی، ثبات در سیاستگذاری، شفافیت و اجرای دقیق اصلاحات همراه شـــود. با این حال، بسیاری از تحلیلگران معتقدند فضای جدید همکاری میان سه قوه می‌تواند فرصتی برای آغاز اصلاحاتی باشد که اقتصاد ایران سال‌ها به آن نیاز داشته است. هرچه تصمیم‌های اقتصادی با اجماع بیشتری اتخاذ شود و مسیر اجرای آنها نیز با هماهنگی دنبال شود، احتمال موفقیت سیاست‌ها افزایش خواهد یافت و اعتماد فعالان اقتصادی نیز تقویت خواهد شد.

در نهایت، اقتصاد ایران امروز بیـــش از هر زمان دیگری نیازمنـــد ثبـــات، پیش‌بینی‌پذیـــری و هماهنگـــی در تصمیم‌گیری اســـت. عبور موفق از شرایط جنگی تنها زمانی به دســـتاوردی پایدار تبدیل خواهد شـــد که این همگرایـــی نهادی بتواند بـــه اصلاحات موثـــر، افزایش ســـرمایه‌گذاری، تقویـــت تولید، کنترل تـــورم و بهبود معیشـــت مردم منجر شود. اگر این همکاری در ماه‌های آینده نیز تداوم یابد، می‌توان امیدوار بود که کشور علاوه بر عبـــور از پیامدهای جنگ، گام‌هـــای جدی‌تری برای بازسازی اقتصاد و دستیابی به رشد پایدار بردارد.

عراقچی:

نمی‌شود با سرنوشت کشور و مردم قمار کرد

وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به گمانه‌زنی یک مستندساز درباره نتایج احتمالی عدم پذیرش آتش‌بس و اینکه «شاید باعث می‌شد دشمن تصمیم می‌گرفت دیگر حمله نکند»، گفت: با شـــاید که نمی‌شـــود تصمیم گرفت. باید قطعی تصمیم گرفت. اگر و مگر ندارد و نمی‌شـــود با سرنوشت کشور و مردم قمار کرد.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان در نشستی صمیمانه در مســـتند «ماجرای جنگ ۲» به روایت جواد موگویی، حضور یافت و ســـوالات این مستندساز درباره تجاوزات امریکا- اسراییل علیه کشـــورمان به گفت‌وگو نشست، عراقچی در پاسخ جواد موگویی با انتقاد از رویکرد وزیر امور خارجه ایران و در پاسخ به این جمله که «دست فرمان شما ما را به جنگ کشانده است»، تاکید کرد: دست فرمان من نبود. آغاز جنگ، تصمیمی از طرف مقابل بود و ما می‌خواســـتیم دست فرمان او را به سمتی غیر از جنگ ببریم. اینکه فکر کنیم مذاکره باعث جنگ شـــد، درست نیست؛ کما اینکه مذاکره اصلا تصمیم شخص من نبود و یک تصمیم جمعی بود. خاتمه جنگ، یک تصمیم جمعی است که توسط شورای عالی امنیت ملی اخذ می‌شود و همه می‌دانند که تصمیمات این شورا چه زمانی اجرایی می‌شود. او همچنین در پاســـخ به اظهارات میزبان که گفت: «اگر جنگ را ادامه می‌دادیم بهتر بود»، اظهار داشت: جسارتا تصمیم‌گیری در این موضوع با من یا شما نیست. خوب هم هست که تصمیم‌گیری با ما نیست. همه چیز از تصور ایران ضعیف شروع شد. طرف مقابل فکر می‌کرد ایران بازدارندگی منطقه‌ای خود را از دست داده و برای جبران آن به سمت بازدارندگی هسته‌ای پیش خواهد رفت و لذا باید تجهیزات هسته‌ای آن را از بین برد. با این تصور، جنگ ۱۲ روزه آغاز شد، هرچند پیش از آن نیز دو، سه بار شرایط تا آغاز جنگ پیش رفته بود که به علت فعالیت‌های دیپلماتیک و ایجاد نگرانی بابت جنگ در منطقه، جلوی آن را گرفتیم. طرف مقابل دیپلماسی را امتحان کرد و از اول هم بر غنی‌سازی صفر تاکید داشت. ما در این زمینه مقاومت کردیم و وقتی دیدند از طریق مذاکره نمی‌توانند به این خواســـته خود برسند، جنگ را شـــروع کردند. بنابراین ایستادگی ما بر مواضع خودمان در مذاکره، باعث شد طرف مقابل جنگ را امتحان کند که شکست خورد.

وزیر امور خارجه در پاسخ به این سخنان که اگر مقاومت در جنگ ۱۲ روزه را ادامه می‌دادیم، جنگ ۴۰ روزه رخ نمی‌داد، گفت: این تصور در طرف مقابل هم وجود دارد که اگر جنگ ۱۲ روزه را ادامه می‌دادید به نتیجه می‌رسیدید، چون جنگ ۱۲ روزه و درس‌های آن باعث شـــد مـــا قوی‌تر و آماده‌تر برای جنگ بعدی شـــویم. ما از جنگ ۱۲ روزه درس‌های نظامی زیادی گرفتیم، درس‌های سیاسی هم گرفتیم، اما درس‌های نظامی بسیار مهمی به‌دست آوردیم. اولا، تصمیم برای خاتمه جنگ، یک تصمیم جمعی بود. شورای عالی امنیت ملی این تصمیم را گرفت و مصوبات شورای عالی امنیت ملی نیز مشخص است که در چه زمانی اجرایی شوند.

عراقچی افـــزود: از روز چهـــارم جنـــگ ۴۰ روزه، یکی از اندیشکده‌های امریکایی تحلیلی منتشر کرد و گفت روزانه بیـــن ۱۰ تا ۲۵ درصد از لانچرهای ایران از بین می‌رود و تا پایان اســـفند، ایران حداکثر می‌تواند توان شلیک خود را حفظ کند. این ارزیابی بر چه اساسی بود؟ بر اساس تجربه آنها از جنگ ۱۲ روزه. اما غافل از اینکه در این ۸ ماه، سیستم لانچری ایران کاملا تغییر کرده بود و به شکلی درآمده بود که هرچه آنها هدف قرار می‌دادند، جایگزین می‌شد. این فقط یکی از اقداماتی بود که در این مدت انجام شده بود. در جنگ ۱۲ روزه هم ما با توجه به میـــزان تاب‌آوری‌های خودمان و تاب‌آوری اجتماعی، چـــون خودمان نیز برای جنگی با این شکل و ابعاد آماده نبودیم، تصمیم گرفتیم که متوقف شویم. این تصمیم درست یا غلط، در جای خود باید در تاریخ قضاوت شود، اما به نظر من تصمیم درستی بود که نظام گرفت و آثار آن را نیز در جنگ بعدی دیدیم. یعنی جنگ دوازده‌روزه مقدمه‌ای شد برای پیروزی در جنگ ۴۰ روزه.

رییس دستگاه دیپلماسی ایران گفت: بعد از جنگ ۱۲ روزه، آنها دو نتیجه‌گیری غلط داشتند. اول اینکه باید خودشان را برای جنگی طولانی‌تر آماده کنند تا بتوانند با ایران مقابله کنند. دوم اینکه ابتدا باید پایگاه اجتماعی نظام را هدف قرار دهند و سپس خود نظام را هدف قرار دهند. به همین دلیل، ما شاهد بودیم که در این فاصله یک آرایش نظامی گســـترده در منطقه ایجاد کردند و یک تقویت نظامی گســـترده در منطقه شـــکل دادند. هرچه در توان داشـــتند از نیروها و تجهیزات امریکایی وارد کردند و رژیم صهیونیستی را تا جایی که توانستند تجهیز کردند. همچنین سیستم دفاعی خود را که در پایان جنگ ۱۲ روزه دچار مشکل شده بود، تقویت کردند تا بتوانند جنگ طولانی‌تری را ادامه دهند. بعد از آن، روی مسائل اجتماعی کار کردند که حوادث ۱۸ و ۱۹ دی ماه اتفاق افتاد. پس از آن بود که به این نتیجه رسیدند که اکنون زمان مناسب فرا رسیده است؛ زمانی که آرایش نظامی دشمن در منطقه واقعا کامل شده بود.

عراقچی افزود: در همین شـــرایط، درخواســـت آنها برای مذاکره مجدد آغاز شـــد. این درخواســـت هم باز با همان موضوع غنی‌سازی صفر همراه بود؛ یعنی دوباره برگشتند به اینکه یا غنی‌ســـازی صفر را می‌پذیرید یا اقدام نظامی می‌کنیم. این بار شرایط این گونه بود. آن زمان بحث‌های زیادی صورت گرفت که آیا مذاکره مجدد انجام شـــود یا خیر. در نهایت جمع‌بندی این شد که مذاکره را آغاز کنیم؛ عمدتا برای اتمام حجت، تا بعد کسی نگوید اگر مذاکره کرده بودید، جنگ نمی‌شد. وزیر امور خارجه در پاسخ به این سوال که شما مطمئن بودید جنگ می‌شود، گفت: من مطمئن بودم؛ جزییاتش را بعدا خواهم گفت. نیروهای نظامی ما مطمئن بودند، خود ما هم مطمئن بودیم، چون مطمئن بودیم، گفتیم باید یکی، دو دور مذاکره انجام شود. شاید طرف مقابل از موضوع غنی‌سازی صفر کوتاه بیاید، هرچند بعید بود؛ اما اگر هم کوتاه نیامد، ما حجت داریم. دیگر کسی، چه در جامعه بین‌المللی و چه در داخل کشور، نمی‌تواند به ما بگوید که تقصیر خودتان بود؛ شما باید مذاکره می‌کردید. این فلسفه ورود ما به مذاکره بود و گرنه اگر خاطرتان باشد، مصاحبه‌های من، صحبت‌های من در تلویزیون و سخنانم در مجلس پیش از آن موجود اســـت که گفتم هدف این مذاکرات مشخص است و اهداف نظامی دشمن نیز کاملا روشـــن اســـت. فکر می‌کنید مذاکره فریب است؟ کسی نباید فریب بخورد. فریب نخوردن برای ما بســـیار آسان است. نیروهای مسلح نباید به امید مذاکره کننده بنشینند. من ماموریتی دارم که انجام می‌دهم یا موفق می‌شـــوم یا نمی‌شوم. نیروهای مسلح نباید به امید من باشند. دولت هم نباید به امید من در تامین معیشت مردم باشد. هر انباری باید پر شود، هر ذخیره‌ای باید ایجاد شود و همه اقدامات لازم باید انجام شود. به همین دلیل، وقتی جنگ ۴۰ روزه آغاز شد، ما کاملا آماده بودیم. نشانه آن هم این است که دو ساعت بعد پاسخ خود را آغاز کردیم، زیرا همه این طراحی‌ها از قبل انجام شده بود. کاملا مشخص بود که اگر سطح حمله دشمن هر اندازه‌ای باشد، ما متناسب با همان سطح پاسخ خواهیم داد. چرا تنگه هرمز هم از روز اول بسته شد؟ چون از قبل طراحی شده بود که اگر رهبری هدف قرار گرفت، بلافاصله تنگه بسته شود.

عراقچی تصریح کرد: ببینید مذاکره چند هدف داشت. یکی اینکه شاید در مذاکره راهی برای رسیدن به خواسته‌ها پیدا شود و ما نباید این فرصت را از دست بدهیم. جنگ به هر حال هزینه‌های خودش را دارد و اگر هر کشوری بتواند از مسیر مذاکره به اهداف خود برسد، قطعا این راه کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر را ترجیح می‌دهد. ما می‌گفتیم شاید حتی با احتمال ۱۰ درصد بتوانیم در مذاکره به نتیجه‌ای غیر از جنگ برسیم؛ باید این فرصت را امتحان کنیم. ممکن است به نتیجه نرسیم، اما حداقل اتمام حجت کرده باشیم؛ هم با دشمن، هم با جامعه بین‌المللی و هم با مردم خودمان که ما همه مسیرها را امتحان کردیم.

وزیر امور خارجه بار دیگر این سخنان که اعتبار مذاکره‌کننده‌ها وقتی مرتب مذاکره می‌کنید و بعد جنگ می‌شود، از بین می‌رود، گفت: قبول ندارم. ممکن است شما این برداشت را داشته باشید، اما ما اینجا نیستیم که برای اعتبار شخصی خودمان کاری انجام دهیم یا برای حفظ اعتبار خودمان کاری کنیم. متاسفانه برخی افراد برای اعتبار خود کاری را انجام می‌دهند که مـــن این را خیانت می‌دانم. من وزیر امور خارجه جمهوری اســـلامی ایران هستم؛ مسوولیت من حفظ منافع جمهوری اسلامی است، نه اعتبار شخصی خودم. متاســـفانه قبول دارم کـــه در برخی موارد، بعضی افراد تصمیمات خود را برای حفظ اعتبار شخصی‌شـــان اتخاذ می‌کنند. اما اگر کاری باید انجام شود، ماموریت باید انجام شـــود و به نتیجه برسد؛ آینده سیاسی من یا اعتبار شخصی من اصلا مهم نیست. اگر کسانی برای این کشور جان خود را می‌گذارند، من هم باید در جای خود آبرویم را بگذارم. این نگاه من به مساله است. اما از زمانی که تصمیم گرفته شد که ما مذاکره کنیم، همین نگاه وجود داشت و چارچوب‌ها، اصول و قواعد آن نیز مشخص شد. همه این مسائل در جلساتی که آن زمان برگزار شد، مورد بررسی قرار گرفته است و مستندات آن جلسات وجود دارد. در آن زمان یک کمیته هسته‌ای وجود داشت که بعدها به کمیته مذاکره تبدیل و به «کمیته شش‌نفره» معروف شد. وزیر امور خارجه گفت: اما واقعیت این بود که به همین دلیل آنها از رهبری شروع کردند و بعد سراغ مقامات سیاسی رفتند. ما در جنگ ۴۰ روزه غافلگیر نشـــدیم، اما غافلگیری‌های تاکتیکی داشتیم. یعنی از نظر راهبردی، از نظر مقابله با دشمن، توانمندی‌های مقابله و تاب‌آوری نظامی و دفاعی، کاملا آماده بودیم. غافلگیر نشدیم؛ نشانه آن هم این است که دو ساعت بعد از شروع حمله، پاسخ دادیم. ما در حفاظت از خودمان و به‌خصوص مسوولان، به‌نظرم مقداری غافلگیری وجود داشت.

وزیر امور خارجه درباره غیرطبیعی بودن این همزمانی و تعدد جلسات گفت: هرچند در هر ساختمان معمولا جلسه‌ای در حال برگزاری بود. اما اینکه در همان زمان، جلسه‌ای در دفتر رهبر انقلاب، جلسه شورای دفاع به ریاست آقای شمخانی و جلسه وزارت اطلاعات همزمان برگزار شده بود، نمی‌دانم اتفاقی بوده یا خیر. آنچه از نظر من مهم‌تر است، این است که آنها از برگزاری این جلسات اطلاع داشتند و این نشان‌دهنده وجود یک حفره امنیتی است؛ حفره‌ای که احتمالا هنوز هم به‌طور کامل برطرف نشده و باید درمان شود. نیروهای امنیتی نیز در حال پیگیری این موضوع هستند. من معتقدم این حفره امنیتی صرفا به نفوذ و دستیابی به اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه در جهت‌دهی به تصمیم‌سازی‌ها نیز وجود دارد و حتی فراتر از آن، در جهت‌دهی به تصمیم‌سازی‌ها و فضای روانی کشور نیز نقش ایفا می‌کند.

به‌نظر من، آنها به‌خوبی می‌دانستند که رهبر انقلاب هر روز صبح در دفتر خود حضور دارند و این هدف برای آنها قابل دسترسی بود. اما متوجه شده بودند که جلسه فرماندهان در ساختمان مجاور یا یکی، دو ساختمان آن طرف‌تر در حال برگزاری است و به همین دلیل همان زمان را برای حمله انتخاب کردند. احتمالا از روی شانس، جلسه بزرگ وزارت اطلاعات نیز همزمان برگزار می‌شد، هرچند محل آن فاصله بیشتری داشت. به هر حال، این حادثه رخ داد. ما در همان مجموعه حضور داشتیم و چند ساختمان را به‌طور همزمان هدف قرار دادند و فاجعه رخ داد.

وی افزود: ساختمان محل حضور ما هم هدف قرار گرفت، خودمان از زیر آوار خارج شدیم. تا جایی که به خاطر دارم، سه انفجار رخ داد. اولین انفجار با فاصله‌ای از ما بود و همه شوکه شدیم. حدود یک یا دو ثانیه بعد، انفجار دوم در فاصله نزدیک‌تری رخ داد و ساختمان به‌شدت لرزید. انفجار سوم نیز تقریبا در مجاورت ساختمان ما اتفاق افتاد. ساختمان محل استقرار آقای حجازی به این شکل بود که یک سمت آن محل برگزاری جلســـه و سمت دیگر دفتر ایشان قرار داشت. بخشـــی که دفتر آقای حجازی در آن قرار داشت، هدف قرار گرفت و عملا ســـمت چپ ســـاختمان از بین رفت. خدا رحمت کند آقای عیوضی، منشی شهید آقای حجازی را؛ آن‌طور که گفتند، شـــدت انفجار به حدی بود که حتی اثری از ایشان باقی نمانده بود. اما ما در سمت دیگر ساختمان بودیم و پس از انفجار، سقف، دیوارها و همه اجزای ساختمان بر سرمان فرو ریخت. به آقای حجازی نگاه کردم و پرسیدم: «شما سالم هستید؟» گفتند: «بله.» دست ایشان را گرفتم. خودشان گفتند باید هرچه زودتر از ساختمان خارج شـــویم، چون احتمال دارد حملات ادامه پیدا کند. از میان تیرآهن‌هـــا، چوب‌ها و آوار عبور کردیـــم و از اتاق وارد سالنی شدیم که صدای فریاد مجروحان از آن شنیده می‌شد. از سقف آب می‌ریخت و همه جا ویران شده بود. به هر زحمتی بود، خودمان را از ساختمان خارج کردیم. وقتی بیرون آمدم، دیدم بخش‌های مختلف مجموعه هدف قرار گرفته است. از آقای حجازی درباره وضعیت رهبر انقلاب سوال کردم، گفتند: «نمی‌دانم.» ایشان هم در آن لحظه اطلاع دقیقی نداشتند که آقا دقیقا در کدام بخش مجموعه حضور دارند. در نهایت از ســـاختمان خارج شدیم. تقریبا همه نقاط مجموعه هدف حمله قرار گرفته بود و ورودی‌ها و گیت‌های حفاظتی نیز آسیب دیده بودند. نیروهای حفاظت آمدند و با اصرار مـــن را از محل خارج کردند، زیرا احتمال می‌دادند حملات ادامه پیدا کند. ماشین‌های مجموعه نیز آسیب دیده و برخی مسیرهای خروج بر اثر اصابت ترکش مسدود شده بود. به ناچار وارد خیابان شدیم. در آنجا جوانی ما را دید و گفت: «بفرمایید، شـــما را به وزارت امور خارجه می‌رسانم.» خدا خیرش بدهد؛ با خودروی شخصی‌اش ما را به وزارت امور خارجه رساند. وقتی رسیدیم، سراپا خاک و گردوغبار بودیم.

عراقچی در ادامه تشریح روز حمله گفت: همان شب متوجه شهادت رهبر شـــدم. من از همانجا به وزارت امور خارجه رفتم. تا حدود سه روز، تقریبا از همه جا بی‌اطلاع بودیم. تنها دغدغه ما این بود که بدانیم چه کسانی زنده مانده‌اند و چه کسانی به شهادت رسیده‌اند. حتی از وضعیت رییس جمهور نیز خبر دقیقی نداشـــتم. همان روز خبر رسید که ایشان شهید نشده‌اند. اما هیچ ارتباط مستقیمی وجود نداشت. من نخستین بار سه روز پس از آغاز جنگ، رییس جمهور را دیدم. آقـــای لاریجانی را هم حدود پنـــج روز بعد برای نخستین بار ملاقات کردم. نخستین جلسه رسمی محدودی که تشکیل شد، شش روز پس از آغاز جنگ و در یک محل امن برگزار شد. سه نفر از اعضای آن جلسه بعدها به شهادت رسیدند. آقای خطیب، آقای لاریجانی و آقای باطنی. سه نفر دیگر هم در آن جلسه حضور داشتیم که اکنون در قید حیات هستیم. از همان لحظه‌ای که به وزارت امور خارجه رسیدم، بدون هیچ وقفه‌ای بیانیه صادر کردیم. بلافاصله تماس با وزیران امور خارجه کشورهای منطقه را آغاز کردم. می‌دانســـتم برنامه از قبل طراحی شده است؛ اگر به ایران حمله شود، ما پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه را هدف قرار خواهیم داد و رژیم صهیونیستی نیز جای خود داشت. از همان ظهر، با وزیران امور خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس تماس گرفتم و به همه آنها گفتم که ما پایگاه‌های نظامی امریکا را هدف قرار خواهیم داد. به آنها تاکید کردم که این اقدام علیه کشورهای منطقه نیست، بلکه علیه نیروهای امریکایی مستقر در خاک آنهاست. همگی اعتراض کردند و گفتند نباید چنین اقدامی صورت بگیرد. در پاسخ گفتم این جنگ را ما آغاز نکرده‌ایم، بلکه جنگی است که بر ما تحمیل شده است. همچنین یادآور شدم که از قبل نیز این موضوع را به شما اطلاع داده بودیم. پس از آن، اعتراض‌های رسمی آغاز شد. از بعدازظهر همان روز، سفرای ما را در برخی کشورهای منطقه احضار کردند. فکر می‌کنم روز سوم جنگ بود که صبح زود، یکی از وزیران امور خارجه کشورهای منطقه با من تماس گرفت و گفت ما در پاسخ به حمله‌ای که از خاک ما انجام شده، ساعت مشخصی یکی از مواضع شما را هدف قرار خواهیم داد؛ اما قصد ادامه درگیری را نداریم. شما هم دیگر ما را هدف قرار ندهید تا ما نیز اقدامی علیه شما انجام ندهیم. امریکایی‌ها و اسراییلی‌ها هم از طریق آنها مرتب پیام می‌فرستادند و تهدید می‌کردند. من هم گفتم اگر شما مستقیما ما را هدف قرار دهید، این بار خود شما را هدف قرار خواهیم داد و جنگ میان ایران و کشور شما آغاز خواهد شد.

اقتصاد کلان

ثبات نسبی نرخ طلا در بازار تهران

نرخ انواع مسکوکات و مصنوعات طلا در بازار تهران روز یکشنبه شرایط متعادل‌تری را نسبت به روز نخست هفته تجربه کرد و هرچند تغییر چندانی در قیمت‌ها روی نداد، اما بازار همچنان تحت تاثیر نوسانات نرخ ارز قرار داشت. هرچند در ساعات پایانی معاملات روز شنبه نرخ طلا در بازار تهران تحت تاثیر نرخ ارز روند افزایشی را طی کرد و حتی ســـکه تمام کانال ۱۹۰ میلیون تومانی و طلای ۱۸ عیار کانال ۱۹ میلیـــون تومانی را لمس کردند، اما دوباره نرخ‌ها عقب نشست. در روز یکشنبه و با توجه به تعطیلی بازارهای جهانی، اتحادیه طلا و جواهر بهای هر اونس طلا را ۴۰۱۸ دلار اعلام کرد و بر اساس آن قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار ۱۸ میلیون و ۶۹۲ هزار تومان و طلای ۲۴ عیار ۲۴ میلیون و ۹۲۰ هزار تومان داد و ستد شد. در بازار سکه نیز قیمت هر قطعه سکه طرح جدید ۱۸۸ میلیون تومـــان، طرح قدیم ۱۸۴ میلیون تومان، نیم ســـکه ۹۶ میلیون تومان و ربع سکه ۵۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به فروش رفت و سکه گرمی در نرخ ۲۸ میلیون تومانی بدون تغییر باقی ماند. ناظران، افزایش اخیر نرخ‌ها در بازار ارز و طلا را ناشی از افزایش انتظارات تورمی در بازار و تمایل سرمایه‌گذاران برای تبدیل پول نقد به دارایی‌هایی چون ارز و طلا در شرایط جنگ می‌دانند. مرکز مبادله ارز و طـــلای ایران، زمان برگزاری یکصد و پنجاه و یکمین جلســـه حراج شمش طلا را اعلام کرد. این جلسه روز سه‌شنبه، ۳۰ تیرماه، از ساعت ۱۴ تا ۱۷ برگزار می‌شود. متقاضیان شرکت در این حراج، موظف به واریز مبلغ ۵۰ میلیارد ریال (معادل پنج میلیارد تومان) به عنوان وجه‌الضمان هر قطعه هستند. مهلت واریز این وجه، تا ساعت ۲۴ روز دوشنبه، ۲۹ تیرماه تعیین شده است. سقف خرید برای هر متقاضی، حداکثر ۲۵ قطعه شمش طلا در طول یک هفته تقویمی در نظر گرفته شده است. بر اساس شـــیوه‌نامه ابلاغی از سوی مرکز مبادله ایران، چهار گروه از فعالان اقتصادی مجاز به شرکت در این حراج هستند؛ این گروه‌ها شامل فروشندگان عمده شمش طلا، تولیدکنندگان و سازندگان فعال مصنوعات طلا، خرده‌فروشان طلای آبشده و سکوهای برخط فروش طلای آبشده و مصنوعات هستند. کارمزد معاملات این حراج، برای هر یک از طرفین معامله، مبلغ ۲۰ میلیون ریال تعیین شده اســـت؛ بدین ترتیب، مجموع کارمزد هر معاملـــه، ۴۰ میلیون ریال خواهـــد بود. قیمت پایه شمش‌های طلا، توســـط عرضه